

بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های مبانی پست مدرنیسم و مبانی تربیت در اسلام و اسناد بین‌المللی

محسن ابوی مهریزی^۱

کیومرث خطیر پاشا^{۲*}

لادن سلیمی^۳

چکیده

پست مدرنیسم از جمله جریان‌های فکری است که در دوران معاصر، بیشترین شهرت و تأثیرگذاری را در حوزه‌های مختلف، از جمله در حوزه تعلیم و تربیت داشته است. با توجه به اینکه جامعه ما یک جامعه دینی و مذهبی است و وجه تربیتی آن نیز بر اساس دین و مذهب ترسیم و تعریف شده است، و از آنجایی که موج‌های اندیشه‌های پست مدرنیستی به آن رسیده است. بر این اساس هدف اصلی تحقیق بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه تربیتی پست مدرنیسم با شاخص‌های مبانی فلسفی تربیت اسلامی می‌باشد که با استفاده از روش تحلیلی، استنتاجی و تطبیقی انجام شده است بر طبق یافته‌های بدست آمده، تنها در مبانی هستی‌شناسی میان مبانی پست مدرنیسم و تربیت اسلامی شباهت‌هایی وجود دارد این شباهت‌ها در خصوص اعتقاد به واقعیت و کثرت‌گرایی در هر دو مکتب است ضمن اینکه در بعد مبانی معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی پست مدرنیسم و تربیت اسلامی تفاوت‌های اساسی وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که میان پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت اسلامی، هیچ‌گونه سنخیتی نخواهیم یافت؛ چراکه این دو معنا، از نظر معرفت‌شناسی یکدیگر را نقض می‌کنند. نهایتاً میتوان به این یافته رسید که شناسایی آموزه‌های تربیتی پست مدرن و پی بردن به نقاط ضعف و قوت تعلیم و تربیت پست مدرنیستی می‌تواند آمادگی لازم را برای متریبان در مواجهه با این پدیده ایجاد کند.

واژگان کلیدی: پست مدرنیسم، تربیت اسلامی، مبانی، تطبیق، الگو

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (استاد راهنما)
* نویسنده مسئول: kiu.pasha@gmail.com
۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و هشت، صص ۳۲۵-۳۰۳



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

سوم، شماره سی و

هشت

پاییز ۱۳۹۹

مقدمه

نظام تربیتی بیش از هر چیز وظیفه آماده کردن نسل جدید را برای جامعه امروز بر عهده دارد و هدف آن نیز این است که افرادی را که می‌خواهند در جامعه زندگی کنند، با اصول، قواعد، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماع آشنا کند (فتحی و اجارگاہ و واحدچوکده، ۱۳۸۵: ۶۴). جامعه ملی و جهانی کنونی نیازمند حضور انسانهای آگاه، مسئول، مشارکت‌جو، حساس به مسائل جامعه و علاقه‌مند به تعامل و گفتگو است. لذا باید تعلیم و تربیت رسمی جامعه نیز مطابق با چنین نیازمندی‌هایی، اهداف، روش‌ها و محتوای خود را موردبررسی و تجدیدنظر قرار دهد (عسکریان، ۱۳۸۵: ۴). تعلیم و تربیت به عنوان سرمایه‌گذاری برای آینده جامعه، محسوب می‌گردد و با همین نگاه، جوامع تمام تلاش خود را برای ایجاد نظامی کارآمد و علمی در زمینه تعلیم و تربیت می‌نمایند و سعی می‌کنند تا از هیچ‌گونه هزینه‌کرد در این زمینه کوتاهی ننمایند، چراکه تمامی این هزینه‌ها را به عنوان، سرمایه‌هایی برای بهبود وضعیت زندگی خود در آینده می‌بینند از این رو هر جامعه‌هایی به منظور توسعه و تداوم حیات پویا، به وجود افراد آموزش‌دیده و با تجربه نیاز دارد (کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۴۷).

شناخت انسان و مطالعه ابعاد مختلف او همواره در کانون توجه فلاسفه تعلیم و تربیت قرار داشته است زیرا از یکسو چگونگی معنا و هدف زندگی انسان تعیین‌کننده مسیر تربیتی او است و از سوی دیگر کشف اصول تعلیم و تربیت مستلزم بررسی دقیق جنبه‌های مختلف حیات انسان است (شریعتمداری، ۱۳۷۶: ۲۳). تربیت در جوامع اسلامی ارائه نوعی زیستن است که بر ارزش‌های معنوی انسان مبتنی است و با ساحت متعالی شخصیت وی مطابقت دارد. این امر با به فعلیت رسانیدن استعدادهای درونی، در پی پرورش همه جنبه‌های شخصیت فرد، یعنی ابعاد جسمانی، عاطفی، اجتماعی، عقلانی و معنوی وی تحقق می‌یابد. مبنای ارزش انسان در اسلام، در اساس متفاوت با اومانیسیم، لیبرالیسم و دیگر مکتب‌های مادی است.

همچنین با توجه به اینکه ارزش انسان ریشه در سرشت و هستی او دارد، ارزش فرد انسانی اصیل است و تابعی از ارزش اجتماع نیست. یکی از مواردی که می‌توانیم به عنوان امر چالش‌برانگیز برای تعلیم و تربیت در جامعه به حساب آوریم، ظهور جریان فکری-

اجتماعی پست مدرنیسم است که دربردارنده دلالت‌هایی برای تعلیم و تربیت معاصر است (سجادی، ۱۳۸۸). اگرچه جریان پست مدرنیسم بیشتر در کشورهای به اصطلاح پیشرفته است، اما در اندازه‌های گوناگون در سرتاسر جهان پراکنده شده است، بنابراین برای همه‌ی ما دستکم فکر کردن درباره این جریان تاریخی ضروری است. در برخی موارد مشاهده می‌شود بسیاری از برداشتها از پست مدرنیسم در جامعه ما نه فقط باعث جهش به فراسوی مدرنیسم نمی‌گردد که به نفی دستاوردهای آن عقب ماندگی و واپسگرایی می‌انجامد. پست مدرنیسم را نمی‌توان فقط جنبشی سیاسی، فلسفی یا زیباییشناختی انگاشت (مارشال و پیترز، ۱۹۹۴).

بلکه بهتر است آن را به عنوان یک طرح عقلانی پیچیده از تفکر و عمل قرن بیستم و پس از آن در نظر گرفت. در شرایط پست مدرن برخلاف دوران گذشته، انسان چپستی خودش را از تعریف از پیش تعیین شده‌های، آنگونه که در فلاسفه قبل مطرح بوده یعنی حیوان عقلانی نمی‌گیرد و دارای ماهیتی جهانشمول و یکسان نیست، بلکه انسان دارای معنایی زمینی است که محصول گفتمان عصر خویش و بازی‌ها و نیروهای اجتماعی و سیاسی است. در واقع این انسان یا سوژه نیست که عمل می‌کند و حرف می‌زند بلکه فرهنگ است که عامل و سخنگوی اصلی است (بک، ۲۰۰۴: ۴).

پست مدرنیسم، همچون مدرنیسم، مبتنی بر اصول و مبانی خاصی است. ایدئالیسم و نفی رئالیسم معرفتی و فلسفی و انکار حقیقت ثابت و عینی و مطلق، یکی از مهمترین مبانی و اصول پست مدرنیسم است. پست مدرنیسم، هیچ اصل ثابت و معیار عام و کلی را نمی‌پذیرد. این مبنا، باعث شده که پست مدرنیسم، هرگونه عقیده و فکر کلی و عام را نفی کند. از دیدگاه فلاسفه پست مدرن، هدف زندگی انسان شکستن ارزش‌های گذشته و ارزش‌آفرینی دوباره است، به طوریکه فرد خود را مالک و مبنای ارزش‌ها بداند و بر همین مبنا هدف غایی زندگی انسان رسیدن به مقام انسان برتر است که با بهبود بخشیدن به نوع انسان و بهسازی بشریت حاصل می‌گردد. پست مدرنیسم از جمله جریان‌های فکری است که در دوران معاصر، بیشترین شهرت و تأثیرگذاری را در حوزه‌های مختلف، از جمله در حوزه تعلیم و تربیت داشته است. این اندیشه به دلیل اینکه در عصر انفجار اطلاعات ظهور کرد، در غرب محدود نماند، بلکه در بسیاری از نقاط جهان

و از جمله کشورهای اسلامی، نفوذ کرده است. به گونه ای که امروزه نه تنها در محافل علمی، بلکه در عرصه های گوناگون سیاسی، اجتماعی، هنری و غیره، نظریات پست مدرن به صورت جدی مطرح است. از آنجایی که پست مدرنیسم رسالت اصلی خود را آشکار ساختن بحران های مدرنیته و نقد باورها و ارزشهای ثابت میدانند، در مباحث تربیتی نیز بیشتر بحران زدگی تعلیم و تربیت مدرن را تبیین نموده و در این جهت نیز جنبه صرفاً سلبی دارد. بنابراین، می توان گفت تعلیم و تربیت ارزشها از نگاه پست مدرنیستها، مطالعه و فهم معضلات نظامهای تربیتی موجود و جایگزین کردن آنها با تعلیم و تربیتی است که در آن هیچگونه نظام مندی، فرا روایت و تعریف عینی، نه ارائه میشود و نه مورد قبول واقع میگردد (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

دین مبین اسلام، آخرین شریعت الهی است که بر انسانها عرضه گشته تا آنان را به سر منزل سعادت و خوشبختی رهنمون سازد. به دلیل این خاتمیت، اسلام دارای برنامه جامع زندگی برای تمامی انسانها و در همه دوره ها است؛ برنامههای مبتنی بر ارزشهایی مطلق، همیشگی و جهان شمول که برای درک بهتر آنها، آگاهی از نوع نگاه اسلام به انسان و معرفت ضروری است. در مورد ارتباط بین اسلام و پست مدرنیسم، آنچه روشن می باشد، این است که در اسلام نیز برخی از مفاهیم از جایگاه بسیار قطعی و مسلم و مقدسی برخوردارند، به نحوی که هیچ گونه تردیدی در مورد پذیرش اصول آموزه های آن نیست. درحالیکه یکی از اصول اساسی جریان پست مدرنیسم، انکار هرگونه مفهوم قطعی و مقدس و مسلم است. پست مدرنیسم بر انکار هرگونه جریان کلی و ایدئولوژیک در قالب فراروایت ها تأکید می ورزد و اسلام نیز (دستکم از نگاه پست مدرنیسم) مجموعه ای از روایتهای اساسی و فراروایت های قطعی و غیرقابل تردید است که پست مدرنیسم در سایه اصل انکار هرگونه قطعیت و فراروایت، هرگز آن را بر نمی تابد. به نظر میرسد که گسترش و رواج اندیشه های پست مدرنیستی، آموزه های دینی و مذهبی جامعه ما را به چالش گرفته است.

اسلام به عنوان دینی که ادعای شناخت کامل انسان را دارد و بهترین نوع تربیت را ارائه می کند باید به وسیله مربیان مسلمان و متعهد در نظام های تربیتی مورد بحث و بررسی قرار گیرد و به بسیاری از سؤالات و اشکالات وارده از سوی مخالفان پاسخ داده

شود. ضرورت شناخت رویکرد فلسفی پست مدرنیسم بارز است، همچنین با توجه به حاکم بودن ساختار جامعه اسلامی که حاکی از آن است که اندیشه و فرهنگ اسلامی، به منزله امری ریشه دار در تاریخ این مرزوبوم، محتوا و جهت مشارکت مردم را مشخص میسازد، به عبارت دیگر، فعالیت و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، بارور و در جهت اندیشه و فرهنگ اسلامی است. بر این اساس، این مطالعه با هدف بررسی شباهت ها و تفاوت های مبانی پست مدرنیسم و مبانی تربیت اسلامی انجام شده است.

رهیافت تحلیلی: پست مدرنیسم

مفهوم پست مدرنیسم

پست مدرنیسم واژه یا به بیان دقیق تر، مجموعه عقاید پیچیده‌ای است که به عنوان حیطه‌ای از مطالعات آکادمیکی از اواسط دهه ۹۹ پدیدار گشته است. و در قالب واژه‌هایی چون فرانونین گرای، فرا تجددگرایی، پسانوین گرایی و فرا صنعتی نیز مطرح گردیده است (عباس زاده، ۱۳۸۶: ۵). توصیف پست مدرنیسم دشوار به نظر می‌رسد، زیرا مفهومی است که در انواع گسترده‌ای از دیسپلین‌ها و حیطه‌های مطالعاتی از قبیل هنر، معماری، موسیقی، فیلم، ادبیات، جامعه‌شناسی، ارتباطات، مد، تکنولوژی و.... نمایان شده است (کلاجز، ۱۳۸۳). مشهورترین تعریف از پست مدرنیسم، از آن ژان فرانسوا لیوتار است؛ پست مدرنیسم همانا تردید و ناباوری است درباره‌ی داستانها. از این دیدگاه، پست مدرنیسم جنبشی چند منظوره است که نارضایتی خود را از دانش و عقیده‌ای که خویش را جهانی می‌انگارد، اظهار می‌دارد. به عبارت دیگر، پست مدرنیسم، نوعی وضعیت بی‌اعتقادی و ناباوری به فراروایتها است. لیوتار با خوش بینی تمام به تجسم ذهنی جهانی می‌پردازد در برگیرنده اجتماعات متکثر خود مقیاس که در آن هیچ یک از این اجتماعات بر دیگری چیره نیست. در یک سخن، پست مدرنیسم را می‌توان گونهای پروژه یا رسالت دانست (خندقی، ۱۳۸۶).

اهداف تربیتی پست مدرن

برای تدوین اهداف تربیتی یکی از منابع اساسی از دیدگاه فلاسفه و مربیان درباره ماهیت انسان و هدف زندگی است (گریز، ۱۳۷۴: ۶۵). تحول مفهوم انسان و هدف زندگی او نیز، از دوران مدرن به پست مدرن باعث تغییر شرایط تربیتی شده است. در واقع در

شرایط پست مدرن بر خلاف دوران گذشته، انسان چیرستی خودش را از تعریف از پیش تعیین شده‌ای، آنگونه که در فلاسفه قبل مطرح بوده یعنی حیوان عقلانی نمی‌گیرد، و دارای ماهیتی جهان شمول و یکسان نمی‌باشد، بلکه انسان دارای معنایی زمینی است که محصول گفتمان عصر خویش و بازی‌ها و نیروهای اجتماعی و سیاسی است. در واقع این انسان یا سوژه نیست که عمل می‌کند و حرف می‌زند بلکه فرهنگ است که عامل و سخنگوی اصلی است (بک، ۲۰۰۴، ۳).

با توجه به این تحولات وسیع انتظار آن می‌رود مفهوم تربیت بطوری که بتوان برای آن اصول، روشها و اهدافی ثابت طراحی نمود مورد تردید قرار گیرد و زیرا این مفاهیم بجای اینکه ریشه در ماهیت و ذات انسان داشته باشند محصول گفتمان زمانه و تعیین شده توسط بازی‌های زبانی هستند و این خود زمینه تناقض‌نمایی است که در افکار فلاسفه پست مدرن مشهود است (لیز، ۲۰۰۷: ۴). این تناقض آن است در این دیدگاه انسان دیگر دارای معنا، حقیقت و ذاتی ثابت و ارزشمند نیست اما آیا می‌توان نظام تربیتی مشخصی که دانش‌آموزان را به سمت اهداف انسانی سوق می‌دهد شکل داد و آیا این نظام می‌تواند اهداف مشخصی را برای انسانهای متفاوت مشخص نماید و نهایتاً آنکه چه کسی مجوز تعیین هدف تربیتی را در یک اجتماع داراست، چه کسی در عین حال که در یک گفتمان قرار دارد می‌تواند از بالا هدفی را برای انسانهای دیگر تعیین نماید از دیدگاه فلاسفه پست مدرن هدف زندگی انسان شکستن ارزش‌های گذشته و ارزش‌آفرینی دوباره است بطوری که فرد خود را مالک و مبنای ارزش‌ها بداند، و بر همین مبنا هدف غایی زندگی انسان رسیدن به مقام انسان برتر است که با بهبود بخشیدن به نوع انسان و بهسازی بشریت حاصل می‌گردد.

انسان برتر ارزش‌آفرین است و به مبارزه با ارزش‌های کهن می‌پردازد او خود را مالک و مبنای ارزش‌ها می‌داند. بنابراین این هدف نیز هرگز در یک نقطه معین نمی‌ایستد و حرکت مدام را مقصد و معنای زندگی انسان یعنی انسان برتر می‌داند. از سویی دیگر همانگونه که در مبانی انسان‌شناختی ذکر گردید انسان چیزی جز محصول گفتمان عصر خویش نیست. بنابراین انسان برتر در این دیدگاه انسانی است که گفتگوی غالب زمان خود را بشناسد و گرفتار امواج گفتمانی نشود. انسان برتر انسانی است که اخلاق

از درون او بجوشد یعنی آنکه آزادانه آنها را بپذیرد و انجام دهد و از روی اختیار به آن عمل کند. به عبارتی دیگر واجد خود فرمانی اخلاقی باشد. با توجه به نظر فلاسفه پست مدرن درباره هدف غایی تربیت می توان چنین استنباط نمود که، صفات مشخصه و خاص انسان برتر از دیدگاه فلاسفه پست مدرن می تواند به عنوان اهداف واسطه ای تربیت در نظر گرفته شود.

تربیت در اسلام و ویژگی های آن

اهمیت شئون انسان و جایگاه تربیت برای پرورش انسان کامل در اسلام به حدی است که توفیق راهنمایی یک فرد، بهتر از هر چیزی است که در دنیا وجود دارد. خداوند از احیای یک انسان به عنوان احیای همه انسان ها و از میراندن یک انسان به عنوان میراندن کل انسانها یاد کرده است که این زنده کردن و میراندن صرفاً بعد فیزیکی انسان را پوشش نداده است، بلکه بعد انسانیت و معنوی را نیز شامل می شود. اینجاست که اهمیت تعلیم و تربیت در مکتب والای اسالم جایگاه خویش را نشان میدهد. تربیت اسلامی جریان مستمر شناسایی و یادآوری موقعیت ویژه انسانی در پیشگاه خداوند از طریق ایجاد علم بر اساس طرد خود بنیادی، ثنویت گرایی، عینیت گرایی و تأکید بر وحدت معرفتی به منظور تحقق توحید حضوری بر مبنای آموزه های توحید نظری و به کمک توحید است (علم الهدی، ۱۳۸۴: ۲۵۲).

واژه تربیت اشاره به "شناخت خدا در مقام رب یگانه جهان و انسان، دارد برگزیدن او در حکم رب خویش، و تن دادن به ربوبیت او و تن زدودن از ربوبیت غیر" (باقری، ۱۳۸۲). بر این اساس، میتوان گفت اساس آموزش و پرورش، ناظر بر جریان "حیات پاکی" که در آن بر تحول در ابعاد فردی و ربوبی شدن آدمی است و دستیابی فراگیرنده به اجتماعی بر اساس گرایش به خداوند تأکید دارد و مستلزم آن است که فرد در جسم، به پاکی، سلامت و قوت نائل گردد؛ در اندیشه، به اعتقادهای درست دست یازد؛ در گرایش و اراده، حرکتی معطوف به خیر بیابد؛ و در عرصه حیات جمعی، غنا، عفت و عدالت و رأفت فراهم گردد (باقری، ۱۳۸۲) به عنوان آرمان مطلوب فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی نام برد. اهم ویژگی های تربیت اسلامی را می توان در مواردی چون؛ هماهنگی با فطرت (طباطبایی، ۱۳۵۵)، جامعیت تعلیم و تربیت اسلامی (قطب، ۱۳۵۳؛ مطهری،

(۱۳۶۲)، استمرار در تعلیم و تربیت اسلامی، همگانی بودن تعلیم و تربیت، قابل تحقق و اجرا بودن، تکیه بر عقل و تأیید وجه عقلانی (شهیدی، ۱۳۶۸: مصطفوی، ۱۳۶۳)، اشاره نمود.

رابطه پست مدرنیسم و اسلام

در اسلام برخی از مفاهیم از جایگاه بسیار قطعی و مسلم و مقدسی برخوردارند، به نحوی که هیچ‌گونه تردیدی در مورد پذیرش اصول آموزه‌های آن نیست. یکی از اصول اساسی جریان پست مدرنیسم، انکار هرگونه مفهوم قطعی و مقدس و مسلم است. پست مدرنیسم بر انکار هرگونه جریان کلی و ایدئولوژیک در قالب فراوایت‌ها تأکید می‌ورزد، و اسالم نیز (دست کم از نگاه پست مدرنیسم) مجموعه‌ای از روایت‌های اساسی و فراوایت‌های قطعی و غیرقابل تردید است که پست مدرنیسم در سایه اصل انکار هرگونه قطعیت و فراوایت، هرگز آن را بر نمی‌تابد (نوذری، ۱۳۸۵: ۴۱۳).

با توجه به کلی بودن این اصل و تأکید فراوانی که نظریه پردازان پست مدرنیسم بر آن می‌نهند، نمی‌توان به همه آموزه‌های پست مدرنیسم به دیده نیک نگریست. به راستی چگونه می‌توان اصول و قواعد مشخص و مبتنی بر وحی را که در بسیاری از موارد تغییرناپذیر هستند، با آموزه‌های پست مدرنیسم که همه علائم و نشانه‌های برجای مانده از گذشته را به دور افکنده و به کثرت، پراکندگی، چندگانگی، تضاد، اختلاف و تجربه افتخار می‌کند، جمع کرد؟ البته شکی نیست که مسلمانان ممکن است از برخی از ابزار نظری بنیانگذاران اندیشه پست مدرنیسم نظیر "لیوتارد"، "دریدا" و "فوکو" در تحلیل‌های خود سود جویند؛ اما این امر بیانگر قبول آموزه‌های پست مدرنیسم نیست (نوذری، ۱۳۸۵: ۴۱۳).

اکبر احمد در کتاب خود «پست مدرنیسم و اسلام» به دو نوع پست مدرنیسم اسلامی و پست مدرنیسم غربی اشاره کرده، میان این دو تمایزی اساسی قائل می‌شود. اگر بناست که چیزی با عنوان "پست مدرنیسم اسلامی" داشته باشیم، باید یک سری وحدت‌نظر و وجوه اشتراک و اتفاق نظر درباره برخی از نکات بنیادین وجود داشته باشد؛ اما نکته اصلی در همین امر نهفته است که در اندیشه اسالمی، برخی از مفاهیم از جایگاه ویژه قطعیت و تردیدناپذیری برخوردار هستند، ولی پست مدرنیسم چنین امری را هرگز

بر نمی‌تابد. بنابراین، بهتر است از شتابزدگی در برخورد با این چالش جدید پرهیز کرد. اگر ناگزیر از ارائه منظر و موضعی هستیم، عاقلانه‌ترین کار این است که به تک تک اصول و آموزه‌های پست مدرنیسم جداگانه بنگریم. در این کار، معیار سنجش، احکام تخطی‌ناپذیر عقلی و آموزه‌های وحیانی اسلام خواهد بود و چنانچه آموزه‌ای از آموزه‌های پست مدرنیسم مطابق با این معیار باشد، بدون تعصب پذیرفته خواهد شد. ناسازگاری برخی از اصول پست مدرنیسم نظیر نفی فراروایت‌ها و اصول قطعی‌با اندیشه اسلامی روشن است. از سوی دیگر، برخی از تأکیدات پست مدرنیسم نظیر توجه به حقوق سیاه‌پوستان، زنان، اقلیت‌ها و کودکان، که در سایه اصل "توجه به دیگران" (غیریت‌ها) انجام می‌پذیرد، از نظر اندیشه اسلامی ستوده و بجاست؛ اما چند و چون این امر و بررسی تفصیلی همه ابعاد آن، مجال دیگری می‌طلبد. روش‌شناسی پست مدرنیسم، دست یافتن به حقیقت را نه مطلوب می‌داند و نه ممکن. از منظر پست مدرنیست‌ها، واقعیت ثابت، واحد و پایدار بی‌معنی است و به تعبیر دیگر، معیاری برای درستی یا نادرستی اندیشه‌ها وجود ندارد. از این منظر، همه آنچه که در جهان پیرامون ما وجود دارد، نسبی، اعتباری و قراردادی است. به تبع این ویژگی، طرفداران پست مدرنیسم هرگونه جهان‌بینی کلی یا فراروایت را انکار می‌کنند.

ویژگی چهارمی که برای پست مدرنیسم برشمردیم، عبارت بود از نیست‌انگاری و انکار هرگونه هنجار ارزشمند و معتبر و واقعیت خارجی که هدایت بخش اعمال انسان باشد. این ویژگی، باعث شد که برخی از پست مدرنیست‌ها را "سوفسطائیان عصر نوین" بنامند. دیگر ویژگی مهم پست مدرنیسم، حاکم بودن روح پلورالیسم بر این اندیشه است. با اندکی تأمل در این ویژگی‌ها، آنها را مغایر با تعالیم اسلام و همه ادیان توحیدی و الهی می‌یابیم.

همه ادیان درصدد تبیین حقایق جهان و حقیقت غایی آن و راهنمایی بشر به سوی آن هستند، و برای این منظور، به تبیین اصول و تعالیمی می‌پردازند که ثابت و غیرقابل تردید می‌باشد. از نظر اندیشه دینی، به ویژه دین مبین اسلام، نمی‌توان همه امور را نسبی و قراردادی پنداشت. ادیان مختلف و دین اسلام، همواره به تبیین جهان‌بینی الهی برای آدمی می‌پردازند، بنابراین ویژگی نفی فراروایت‌ها را بر نمی‌تابند. نیست‌انگاری و

انکار هنجارهای ارزشمند نیز مسأله ای است که هرگز مورد پذیرش دین اسلام و سایر ادیان نیست. همچنین پلورالیسم و روح کثرت‌گرایی شدیدی که بر پست مدرنیسم حاکم است، مورد نقد و بررسی ادیان توحیدی و دین مبین اسلام است.

مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و پست مدرن

مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، یک رشته اصول اساسی است که از جهان بینی مکتب اسلام و چگونگی نگرش این مکتب به جهان و انسان به بدست آمده و نظام تعلیم و تربیت بر آن استوار است (طرح کلی انتظام آموزش و پرورش، ص ۳۰؛ به نقل از حکیم زاده، ۱۳۸۷). مبانی فلسفی تعلیم و تربیت اسلامی و پست مدرن در جدول (۱) ارائه گردیده اند.

جدول ۱. مبانی فلسفی تعلیم و تربیت اسلامی و پست مدرن

مبنا	پست مدرنیسم	تربیت اسلامی
هستی‌شناسی	عدم اعتقاد به ماورای طبیعت بطور کلی و خداوند به طور اخص	برترین حقیقت ماورای طبیعی خداست. جوهر هستی خداوند است و هستی جلوه ای از آیات الهی و خداوند در رأسیا کانون هستی قرار دارد
	مبدأ هستی نامعلوم است.	جهان معلول و آینه خداوند است
	مبدأ نامعلوم و غایت برای هستی متصور نیست	خداوند هم مبدأ و هم مقصد هستی است
معرفت‌شناسی	زبان خلق کننده آگاهی است و عقل را به عنوان یک منابع شناخت رد می کنند	ابزارهای کسب معرفت در نظام تعلیم و تربیت مشتمل بر حواس، تجربه، عقل، شهود و وحی می باشد.
	معرفت به طور مداوم در حال تغییر است	معرفت قطعی قابل وصول است و امکان شناخت اشیا و پدیده های جهان هستی به صورت حقیقی وجود دارد
انسان‌شناسی	انسانی پست مدرن، جوهر از پیش تعیین شده ندارد و اساساً از طریق روابط اجتماعی خاص زبان و فرهنگ شکل می گیرد	انسان موجودی است مرکب از روح و بدن، روح گوهری است مجرد و غیرمادی، حقیقت وجودی انسان هم همان نفس یا روح است و بدن موجودی مادی، متغیر و فناپذیر و ابزار

نفس است		
انسان مجموعه‌ای از استعدادهاست و عقل و فطرت و عاطفه مهمترین قوای وجودی انسان هستند	مهمترین قوه وجودی انسان زبان است.	
انسان در مقابل خود، جامعه، جهان طبیعت و خداوند نیز مسئول است	انسان فاقد مسئولیت و ناخودآگاه نقش مهمی در رفتار انسان ایفاء می‌کند	
انسان برترین مخلوق خداوند و خلیفه او بر روی زمین است	انسان جزئی از طبیعت محسوب، و در قبال طبیعت به چالش کشیده می‌شود.	
قرآن و مبانی دین اسلام اساسی ترین منبع تعیین ارزشها به شمار می‌آیند.	فرد منبع تعیین ارزشها محسوب می‌شود	ارزش شناسی
برخی از ارزشها در همه شرایط ثابتند، و برخی دیگر، بنا به مصلحت و شرایط محیطی، دچار تغییر می‌شوند.	ارزشهای اخلاقی و معنوی عام و جهان شمول شود. تمامی ارزشها نسبی، شخصی و موقتی است	

متدولوژی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر راهبرد، کیفی و از نظر راهکار، اسنادی است. جامعه و نمونه تحلیل تمامی آثار و منابع مربوط به موضوع تحقیق؛ و نمونه تحلیل تمامی آثار و منابع حوزه مبانی تربیت اسلامی و تربیت پست مدرن است که محقق بضاعت دست یابی موقعیتی و عملی به آنها را دارد. برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز تحقیق، ابتدا با بهره گیری از روش کتابخانه‌ای و مطالعه کتابها و مقاله‌های علمی، رساله‌های تحقیقاتی موجود و سایت‌های اینترنتی به جمع‌آوری اطلاعات و فیش برداری پرداخته شده است. در این مطالعه برای بررسی داده‌ها از روش توصیفی، تحلیلی و استنتاجی و تطبیقی استفاده می‌شود و داده‌های مورد نیاز با استفاده از "فیش‌های ثبت مطالعات" گردآوری و تنظیم می‌گردد.

تجزیه و تحلیل داده ها و شواهد

بررسی سؤال اول تحقیق

بین مبانی فلسفی پست‌مدرنیسم با مبانی تربیت اسلامی چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟
مبانی تعلیم و تربیت اسلامی یک رشته اصول اساسی است که از جهان بینی مکتب اسلام و چگونگی نگرش این مکتب به جهان و انسان به بدست آمده و نظام تعلیم و تربیت بر آن استوار است (طرح کلیات نظام آموزش و پرورش، ص ۳۰؛ به نقل از حکیم زاده، ۱۳۸۷). در ادامه نخست مبانی فلسفی تعلیم و تربیت اسلامی ارائه و سپس مبانی فلسفی پست مدرن بر اساس این مبانی مقایسه و نقد می شود.

• مبانی هستی شناسی:

در مبانی فلسفی اسلامی برترین حقیقت ماورای طبیعی خداست و او در رأس یا کانون تمام هستی قرار دارد؛ هر آنچه در جهان هست از آن اوست و هر آنچه در آن رخ میدهد، تحت نفوذ قدرت و علم او قرار دارد (باقری، ۱۳۸۲). براین اساس تشکیلات، محتوا، اهداف و برنامه ریزی آموزش و پرورش باید در جهت شناخت واقعیات و تحقق بخشیدن به کمالات فطری انسان در مسیر الی الله و رسیدن به قرب الهی باشد در چنین فلسفه ای جوهر هستی و هستی بخش خداوند است و محور تعلیم و تربیت اسلامی خدامحور و هستی خداوند محور است (طرح کلیات نظام آموزش و پرورش، ص ۳۰؛ به نقل از حکیم زاده، ۱۳۸۷).

جدول ۲. مقایسه مبانی هستی شناسی پست مدرنیسم با تربیت اسلامی

مؤلفه ها	پست مدرن	تربیت اسلامی
جوهر هستی	عدم اعتقاد به ماورای طبیعت بطور کلی و خداوند به طور اخص	برترین حقیقت ماورای طبیعی خداست. جوهر هستی خداوند است از آیات الهی و خداوند در رأس یا کانون هستی قرار دارد.
مبدأ هستی	مبدأ هستی نامعلوم است.	جهان معلول و آینه خداوند است
مبدأ و مقصد هستی	مبدأ نامعلوم و غایت برای هستی متصور نیست	خداوند هم مبدأ و هم مقصد هستی است

رد فراروایتها در پارادایم پست‌مدرنیسم از منظر مبانی فلسفی تربیت اسلامی منجر به انحراف انسان از مسیر حقیقی و افتادن در مسیری که انتهایی مبهم و نامعلوم دارد، خواهد شد. چنین نگاهی به هستی را، چشم اندازی طبیعت‌گرایانه از جهان ارائه خواهد نمود، و انسان‌ها در آن نقش ابزاری خواهند داشت که زندگی آنها تنها به این دنیا معطوف خواهد بود. این در حالی است که در قرآن (سوره‌های حدید، روم) انسان را به زندگی اخروی دعوت می‌کند و دنیا را به لَهْو و لعب تشبیه می‌کند؛ "اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا مَّا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا الْمَتَاعُ الْعُرُورُ" (سوره حدید، آیه ۲۰)؛ بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد، سپس خشک می‌شود، به گونه‌ای که آن رازدرنگمی بینی؛ سپس تبدیل به کاه می‌شود و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی؛ و به هر حال زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست. "يَعْمَلُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ" (سوره روم، آیه ۱۷)؛ از زندگی دنیا ظاهری را می‌شناسند حال آن که از آخرت غافلند.

• مبانی معرفت‌شناسی

باقری (۱۳۸۲) مبانی معرفت‌شناسی تربیت‌اسلامی را در دو طبقه "ویژگیهای علم با نظر به معلوم" و "ویژگیهای علم با نظر به عالم" قرار داده است. در طبقه اول بر اکتشافی بودن علم، اعتباری بودن ارزش‌ها و ناظر بودن آنها بر واقعیت (در متون اسلامی بر نقش ادراکات آدمی در ارزشمند تلقی کردن اشاره شده است. اما اینکه آدمی چیزی را خوب یا چیزی را بد در نظر بگیرد. تنها عامل تعیین‌کننده در امور ارزشی نیست). علاوه بر این، بررسی متون اسلامی نشان می‌دهد ابزارهای کسب معرفت در نظام تعلیم و تربیت مشتمل بر حواس، تجربه، عقل، شهود و وحی می‌باشد (حکیم زاده، ۱۳۸۷). در معرفت‌شناختی پست‌مدرن حاکمیت زبان برای خلق شناخت و آگاهی به رسمیت شناخته شده است و عقل در حوزه معرفت فاقد معنا و جایگاه مشخصی است. در این

دیدگاه فلسفی دانش از مشروعیت الزم برخوردار نیست و ساختاری جزئی برای آن در نظر گرفته می‌شود. تحلیل و مقایسه مبانی معرفت‌شناختی پست‌مدرن با مؤلفه‌های معرفت‌شناختی تربیت‌اسلامی بیانگر تضاد گسترده آنها با معرفت‌شناختی اسلامی است. در مبانی معرفتی تربیت اسلامی عقل و عقلانیت جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است؛ به طوری که نه تنها تعقل از جایگاه رفیعی برخوردار است بلکه، قرآن کریم انسان را به تفکر در طبیعت (زمین، آسمان، خورشید، ماه، ابر، و غیره)، تاریخ (آثار تاریخی گذشتگان، سنتها، قوانین، و غیره)، و ضمیر انسان (انفس و آفاق) فرا می‌خواند (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۷۴؛ جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۷۲؛ به نقل از باقری، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

حرکت آدمی به سمت کمال را سه مرحله طبیعت و ماده، مجرد مثالی و برزخی، و مجرد عقلی معرفی می‌کند که بالاترین مرتبه کمالی انسان مجرد عقلی است. علاوه بر موارد ذکر شده، باقری (۱۳۸۹؛ ۴۵) از ارتباط عقل و اراده سخن گفته است و بر این باور است که اگر در موجودی عقل وجود نداشته باشد یا فرصت ظهور نیافته باشد نمی‌تواند از وجود اراده در او سخن گفت برای مثال، هر گاه نظام اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی با فرد چنان رفتار کنند که عقلش همچنان جنینی باقی بماند، او نه تنها نمی‌تواند اراده‌های در برابر قدرتهای مزبور باشد بلکه حتی ممکن است مهرهای بلا اراده در ید قدرت آنها باشد. و بالاخره، شریعت‌مداری (۱۳۸۴) پایه و اساس تعلیم و تربیت را پرورش جنبه عقلانی شخصیت انسان معرفی می‌کند.

جدول (۳) مقایسه مبانی معرفت‌شناختی پست‌مدرنیسم با تربیت اسلامی

مؤلفه‌ها	پست‌مدرن	تربیت اسلامی
ابزارهای کسب معرفت	زبان خلق‌کننده آگاهی است و عقل را به عنوان یک منابع شناخت رد می‌کنند	ابزارهای کسب معرفت در نظام تعلیم و تربیت مشتمل بر حواس، تجربه، عقل، شهود و وحی می‌باشد.
دانش یا معرفت چیست؟	معرفت به طور مداوم در حال تغییر است	معرفت قطعی قابل وصول است و امکان شناخت اشیا و پدیده‌های جهان هستی به صورت تحقیقی وجود دارد

• مبانی انسان شناسی

انسان و حرمت انسان در فلسفه تربیت اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در این فلسفه وجود جسم مادی و نفس مجرد در انسان به رسمیت شناخته شده است. در انسان شناسی اسلامی، آدمی به منزله عامل مورد نظر قرار می گیرد و آگاهی، قصد و مسئولیت نسبت به اعمال خود، از آن قابل حذف نیست (باقری، ۱۳۸۸). در واقع، تربیت اسلامی خواستار برنامه ای فراگیرنده و جامع است که تمام استعدادهای انسانی و ظرفیت های مربوط به مراتب ادراکی نفس به طور متعادل محقق گردد. علاوه بر این، یگانگی حقیقت انسان ها که در قرآن در آیه ۱۰ سوره کهف (قل انما انا بشر مثلکم) نیز آمده، موضوعی است که به وضوح تصریح شده است (علم الهدی، ۱۳۸۴: ۱۴۸). همچنین با در نظر گرفتن جایگاه انسان در دین اسلام، بر طبق اصل ۲ قانون اساسی حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداوند است و او انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است و هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند (باقری، ۱۳۸۹: ۲۴۹).

جدول (۴) مقایسه مبانی انسان شناسی پست مدرنیسم با تربیت اسلامی

مؤلفه ها	پست مدرن	تربیت اسلامی
ماهیت انسان	انسانی پست مدرن، جوهر از پیش تعیین شده ندارد و اساساً از طریق روابط اجتماعی خاص زبان و فرهنگ شکل می گیرد	انسان موجودی است مرکب از روح و بدن، روح گوهری است مجرد و غیرمادی، حقیقت وجودی انسان هم همان نفس یا روح است و بدن موجودی مادی، متغیر و فناپذیر و ابزار نفس است
قوا و استعدادها ی انسان	مهمترین قوه وجودی انسان زبان است	انسان مجموعه ای از استعدادهاست و عقل و فطرت و عاطفه مهمترین قوای وجودی انسان هستند.
اراده و اختیار انسان	انسان فاقد مسئولیت و ناخودآگاه نقش مهمی در رفتار انسان ایفاء می کند	انسان در مقابل خود، جامعه، جهان طبیعت و خداوند نیز مسئول است.

جایگاه انسان در جهان هستی	انسان جزئی از طبیعت محسوب، و در قبال طبیعت به چالش کشیده می‌شود.	انسان برترین مخلوق خداوند و خلیفه او بر روی زمین است.
------------------------------------	--	--

از منظر شاخص‌های انسان‌شناسی پست مدرنیسم روابط اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی در تکوین شخصیت فرد ایفا می‌کنند؛ جایگاه انسان از سوژه به ابژه تغییر یافته است؛ و قوای وجود انسان از قبیل روح، فطرت و عقل نادیده گرفته می‌شود که چارچوب در نظر گرفته شده برای انسان در این مبنا، از تفاوت‌های زیادی با شاخص‌های مبانی فلسفی تربیت اسلامی برخوردار است. در تربیت اسلامی بر اراده و مسئولیت فرد برای انتخاب تأکید شده است. برای مثال، در آیه ۱۱ سوره رعد "انا هلال الیغیر ما یقوم حتی یغیروا ما بانفسهم"، (در حقیقت خداوند حال هیچ قومی را تغییر ندهد تا آنکه خود حال خود را تغییر دهند) به مسئولیت افراد اشاره شده است. در تربیت اسلامی انسان فطرتی الهی و توحیدی دارد؛ انسان طبیعتی دوگانه (روح و جسم) دارد؛ انسان قادر است انتخاب کند؛ و او مسئولیت اعمال خویش را به عهده دارد (مدکور، ۱۹۹۰؛ به نقل از باقری، ۱۳۸۹: ۵)

• مبانی ارزش‌شناسی

با در نظر مقولاتی نظیر حقیقت خواهی، خیر، فضیلت طلبی، زیبایی خواهی، کمال طلبی، عدالت، راستگویی، وفای به عهد، شجاعت و ایثار بیان شده در طرح کلیات نظام آموزش و پرورش ارزش‌ها از منظر تربیت اسلامی ثابت و مطلق هستند (طرح کلیات نظام آموزش و پرورش، ص ۴۰؛ به نقل حکیم زاده، ۱۳۸۷). باقری (۱۳۸۹: ۲۹۵) از منظری دیگر، معتقد است ارزش‌ها منزلت یکسانی ندارند بلکه برخی در همه شرایط ثابتند، درحالی که برخی دیگر، بنا به مصلحت حفظ ارزشهای برتر، دچار تغییر می‌شوند. بر این اساس، در پرورش ارزشها در افراد، ایجاد درک سلسله مراتبی از ارزشها مورد نیاز خواهد بود که در آن، ارزش‌ها به صورت سلسله مراتبی در یک هرم قرار می‌گیرند، که در رأس آن ارزشهای ثابت و پایدار قرار می‌گیرد؛ و در مراتب پایین‌تر ارزش‌هایی که میزان تغییرپذیری آنها بیشتر و بیشتر می‌شود. بالاخره، علم الهدی علی

رغم تأکید بر تدوام و اصالت ارزشها از وابستگی تحقق آنها به شرایط محیطی سخن رانده است، وی معتقد به ارتباط بین ارزشها و شرایط محیطی است بطوری که در هر شرایطی دست های از ارزشها اولویت می یابد و در نتیجه، نظام تربیتی برای رواج و تثبیت آن دسته از ارزشها رسالت دارد (علم الهدی، ۱۳۸۴: ۲۶۱).

جدول (۵) مقایسه مبانی ارزش شناسی پست مدرنیسم با تربیت اسلامی

مؤلفه ها	پست مدرن	تربیت اسلامی
منابع تعیین ارزشها	فرد منبع تعیین ارزشها محسوب می شود	قرآن ومبانی دین اسلام اساسی ترین منبع تعیین ارزشها به شمار می آیند.
مطلق یا نسبی بودن ارزشها	ارزش های اخلاقی ومعنوی عام وجهان شمول رد می شود. تمامی ارزشها نسبی، شخصی و موقتی است	برخی از ارزشها در همه شرایط ثابتند، وبرخی دیگر، بنا به مصلحت وشرایط محیطی، دچار تغییر می شوند.

۳۱۹



بررسی شباهت ها و تفاوت های مبانی پست مدرنیسم و مبانی تربیت در اسلام و اسناد بین المللی

نسبیت و شخصی بودن ارزشها در تفکر پست مدرن جهت گیری است که در واقع جدا از سایر مبانی فلسفی پست مدرن نیست و به نوعی تکمیل کننده آنها محسوب می شود. این جهت گیری و نگاه نسبیت محور از تضاد کامل با نگاه تربیت اسلامی به مقوله ارزشها و ریشه های آنها برخوردار است. در مبانی ارزش شناسی تربیت اسلامی جوادی آملی (۱۳۷۵؛ به نقل از باقری، ۱۳۸۹: ۲۲)، در بحث از حقوق و اخلاق، از ثبات ارزش های اخلاقی و مبنای الهی حقوق بشر سخن گفته است. از نظر وی حسن ذاتی عقل و قبح ذاتی ظلم همواره حکم فرماست. مدکور (۱۹۹۰، ص ۲۰۸ به نقل از باقری، ۱۳۸۹، ص ۱۰) نیز معتقد است که منبع ارزشها، شریعت اسلامی است نه وفاق جمعی، و از آنجا که این منبع ثابت است، ارزشهای مورد نظر اسلام نیز ثابت است و بالاخره، مطهری (۱۳۶۴، ۳۵۱) پس از تشریح نظریه نسبیت اخلاق در جوامع غربی این ایده را مطرح می کند که اخلاق نسبی برگرفته از تفکر سقراطی است و پایه اخلاق زشتی و

زیبایی نیست. وی در ادامه با نگاهی به دیدگاه علامه طباطبایی که معتقد است اصول زیبایی‌های عقلی و اصول زشتی‌های اخلاقی ثابت است، فروعشان متغیر است بر این باور است که این مطلب که زشتی و زیبایی تغییرپذیر است یعنی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف فرق می‌کند، هم درست است و هم غلط.

بررسی سوال دوم مقاله با توجه به شواهد و داده‌های تجزیه و تحلیل شده

۲. بین مبانی فلسفی پست‌مدرنیسم با مبانی تربیت اسلامی چه

شباهت‌هایی وجود دارد؟

بر اساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های پست‌مدرن و تربیت اسلامی، می‌توان شباهت‌های شاخص‌ها در این دو مکتب را در جدول (۶) خلاصه نمود.

جدول (۶) شباهت‌های شاخص‌های پست‌مدرن با تربیت اسلامی

تربیت اسلامی	پست‌مدرنیسم
سعی محوری	توجه به اصل پویایی و پیشرفت
اعتدال‌گرایی	انعطاف‌پذیری
محبت محوری	دیگرپذیری
تعهد اجتماعی	پرهیز از خودمحوری

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، در ۴ شاخص بین پست‌مدرنیسم و تربیت اسلامی شباهت‌های نزدیکی وجود دارد. شباهت‌های بین مبانی پست‌مدرن و مبانی تربیت اسلامی را می‌توان در جدول (۷) خلاصه نمود.

جدول (۷) شباهت‌های مبانی هستی‌شناسی پست‌مدرنیسم با تربیت اسلامی

تربیت اسلامی	پست‌مدرن	مؤلفه‌ها
جهان هستی واقعیت دارد	واقعیت وجود دارد	واقعیت
در جهان هستی در عین وحدت، کثرت وجود دارد.	کثرت‌گرایی	کثرت

در بررسی های انجام شده، در خصوص سایر مبانی (یعنی معرفت شناسی، انسان شناسی و ارزش شناسی) شباهت هایی بین پست مدرنیسم و تربیت اسلامی وجود ندارد.

نتیجه گیری

نظریه تربیتی اسلام یکی از نظریه های مطرح و از جمله نظریه های مبتنی بر توحید است که معیار عملکرد انسان ها در آن وحی و قرآن و مبتنی بر جایگاه انسان است که مقام جانشینی خداوند را دارد. در دیدگاه تربیت اسلامی به همه ابعادی توجه میشود که موجب تکامل انسان است و از هر آنچه نا هماهنگی و یا وقفه در کمال و رشد همه جانبه ایجاد می کند، جلوگیری می شود. هدف از تربیت اسلامی، محوریت خداوند، ارتباط با او و حضور او در متن زندگی است. اسلام، انسان را عاقل، دارای قدرت انتخاب، کرامت، مسلط بر خویش و بر جهان، ارزش گرا و مسئولیت پذیر می خواهد؛ به انسان خوش بین است و همه بشر را دارای فطرت پاک و اصالتا خیرخواه میداند و همه تکالیف دینی که نازل کرده، برای حراست از کرامت، فطرت و عقل انسان هاست. تربیت اسلامی، مجموعه عواملی است که ورود آدمی را به حوزه معنویت تسهیل می کنند و برآیند مهم آن حضور خداوند در صحنه زندگی است که آن نیز در گرو ایمان و عمل صالح است. در تربیت اسلامی تلاش بر آن است که انسان را از مرحله دانستن به مرحله بودن سوق دهد و خیر اعلی را به منزله ارزش فراسوی امور علمی و فنی قرار دهد. نیک ذاتی، مسئولیت و تعهد انسان در برابر مجموعه ارزش های نخستینی است که خداوند به بشر عطا نموده است. همین ارزش هاست که کیفیت تربیت آدمی را بیان میکند. در حالیکه عقل در محدوده قید و بندها و مقوله های متنوع ذهنی است، ایمان، پذیرش محتوای وحی الهی است. اگرچه عقل، استدلال های عمیق هستی شناسانه ارائه میدهد، ایمان و شهود انسانی است که مسیر هدایت و جهشی ورای عقل به سوی پیشرفت وجودی از خلال تجربه حقیقت واحد از میان حقایق دارد.

در تربیت پست مدرنیسم، سقف و هدف آموزش اقتضائات و ضروریات حیات دنیوی است و به همین دلیل فرصتها، اهداف، مهارتها و ارزش هایی که آموزش داده می شود، فرد را برای دنیای بهتر و رفاه بیشتر آماده می کند و روح حاکم بر محتوا

دنیاگرایی صرف است. در تربیت اسلامی علاوه بر امور متغیر، حقایق ثابتی نیز وجود دارد که اوضاع زمانی و مکانی آن را کهنه نمی‌سازد این در حالی است که در دیدگاه پست مدرن، حقایق و امور ثابتی وجود ندارد و همه امور و واقعیت‌ها متغیر است. در تربیت پست مدرن، همه هویت انسان در زمینی بودن آن خلاصه می‌شود. انسان به تمام معنا، "ساکن" این کره خاکی است. "سکونت" او حاکی از تعلق ذاتی و تمام عیار به آن ارکانی از حیات دنیوی است که لذت حداکثری او را تأمین مینماید. تصویر ارائه شده از انسان، تصویری را کد است که همه حرکت و پویایی آن در حرکت از لذت بالقوه به فعلیت بخشیدن آنها خلاصه می‌شود؛ یعنی حرکتی از خود به خود، حرکتی از تمنیات و آرزوهای فردی به فعلیت یافتن این تمنیات در جامعه‌ای که همه ارکانش برای فعلیت بخشیدن به این تمنیات سامان یافته است. به انسان این گونه القا می‌شود که زندگی بدون امر متعالی امکان‌پذیر است و همه غایت حیات آدمی در لذت حداکثری اش خلاصه می‌شود. اما تصویری که تربیت اسلامی از انسان ارائه می‌دهد، تصویری پویا و متعالی است. هرچند انسان در این کره خاکی "منزل" گزیده است و از همه مواهب آن برای رشد و تعالی خویش بهره می‌گیرد، لیکن انسان مسافری است غایتمند و سالکی است فاصل (میان خلق و حق). حقیقت او جامع حقایق مراتب عالم است. هرچند حرکت و سفر خود را از بطن این عالم و با حدودی جسمانی آغاز می‌کند، لیکن هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود. بطور خلاصه باید گفت که انسان در تربیت پست مدرن ذاتاً "ساکن" این عالم است، ولی در تربیت اسلامی، انسان مسافری است که کوتاه زمانی برای توشه برداری، ساکن این عالم گشته است. پست مدرنیست‌ها، منزلت معرفتی عقل و سایر ابزارهای معرفتی انسان را به شدت نقد می‌کنند و برای ارزشهای فطری و ذاتی هیچ‌گونه ارزشی قایل نیستند؛ زیرا اساساً همه واقعیت‌ها و ارزش‌ها، از جمله ذات انسان و ارزش‌های ذاتی وی را سیال و برساخته عوامل بیرونی و اجتماعی می‌پندارند. چنانکه نه تنها هیچ‌گونه قداستی برای الگوهای دینی و تربیتی و همچنین دستورالعمل‌های دینی و اخلاقی قایل نیستند، بلکه با هرگونه مرجعیت و الگوپذیری سر ستیز دارند. نگاه پست مدرنیست‌ها به تربیت، به رغم نقاط قوتی که دارد، از نقاط ضعف فراوان نیز رنج می‌برد. مهمترین نقاط ضعف آن، ستیز با واقعیت‌های تکوینی، نداشتن

مبانی متقن و قابل دفاع عقلی، معرفت‌های یقینی و ارزش‌های جاودانی است که موجب گسیختگی اندیشه‌های پست مدرنیستی و گرفتار آمدن در دام تضادها و حتی تناقضات آشکار شده است. آنان با اتخاذ رویکرد صرفاً سلبی، تنها به نقد و تخریب میپردازند، اما راهکار و نظریات جایگزین ارائه نمی‌دهند.

بنابراین معیارها در عصر پست مدرن موجب می‌شود که متربی وضعیت مطلوب یا نامطلوب را شناسایی کند. یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی که به متریان کمک می‌کند تا انگیزه‌های عمل خود را به خوبی ملاحظه کنند، تحرک درونی در فرد است؛ یعنی الزام‌ها و تلقین‌های بیرونی با توجه به وضعیت برخورد با اندیشه‌ها، فرهنگها و رفتارهای متنوع و ضدونقیض مؤثر نیست؛ بلکه الزام درونی، تأثیرگذار است؛ یعنی متربی در درون متحول شود و با انگیزه‌های روشن بداند که چگونه فکر و رفتار کند؛ و سرانجام ظهور نقد و نقادی به‌عنوان مؤلفه چهارم میتواند به متربی در رابطه با مسائل عصر حاضر یاری رساند و تربیت دینی را امری ممکن و مؤثر نشان دهد.

با توجه به آنچه بیان شد، میان پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت اسلامی، هیچ‌گونه سنخیتی نخواهیم یافت؛ چراکه این دو معنا، از نظر معرفت‌شناسی یکدیگر را نقض میکنند. حتی اگر نگاه خوشبینانه تری به پست مدرنیسم، یعنی پست مدرنیسم ایجابی داشته باشیم، - با توجه به اینکه ایجابی‌ها خاطرنشان می‌کنند که بررسی‌های محلی، بی‌تمرکز، حاشیه‌ای و مطرود، بر برنامه‌های متمرکز برتری دارند - باز هم میبینیم که در اینجا نیز پست مدرنیسم با اسلام و تربیت اسلامی از این منظر، به عنوان یک فرا روایت، ناسازگار می‌باشد. هرچند که شاید با یک نگاه حداقلی بتوان پست مدرنیسم ایجابی را با قرائت‌های خاصی از اسلام سازگار دانست، اما همانگونه که مشخص است، این نوع قرائت از اسلام مورد پذیرش اکثریت مسلمانان نیست و با روایت غالب از دین اسلام، تفاوت‌های چشمگیری دارد.

چنانچه بخواهیم از فضایی که در حال حاضر به مدد بحران مدرنیسم در جهان حکم فرما شده است، برای گسترش اسلام و پیرو آن، ارزشها و تربیت اسلامی بیشترین استفاده را ببریم، مناسب‌ترین راه حل این‌گونه می‌نماید که توجه خود را به پست مدرنیسم به منزله یک وضعیت، معطوف سازیم و از شرایط به وجودآمده، بهترین بهره

برداری را به سود تعلیم و تربیت اسلامی انجام دهیم. نهایتاً میتوان به این نتیجه رسید که شناسایی آموزه‌های تربیتی پست مدرن و پی بردن به نقاط ضعف و قوت تعلیم و تربیت پست مدرنیستی می‌تواند آمادگی لازم را برای متریان در مواجهه با این پدیده ایجاد کند. سخن گفتن از تربیت دینی در عصر پست مدرن، مستلزم آن است که متریبانی را تربیت نماییم که یارای مقاومت در برابر چالش‌های مطرح شده در این عصر را داشته باشند؛ زیرا با توجه به این مسائل، تربیت دینی مطابق روشهای گذشته ناممکن است و باید از مشخصه‌های تبیین، به دست دادن معیارها، تحرک درونی و نقادی سخن گفت. همچنین متفکران و مربیان مسلمان به ویژه در ایران با غور و تفحص در مکتب غنی اسلام باید ویژگیهای عصر را بشناسند و بشناسانند و انتظارات ایجاد شده از این موقعیت جدید را مشخص کرده و در پی پاسخگویی برآیند.

منابع

- باقری، خسرو (۱۳۸۸)، دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات علم.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲)، هویت علم دینی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰) تفسیر موضوعی قرآن، قم: اسراء
- سجادی، سیدمهدی (۱۳۸۷)، «تبیین نظریه اخلاق در فلسفه مدرن و پست مدرن»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۹۳.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۹۳) اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران انتشارات امیرکبیر.
- صبوری خسرو شاهی، حبیب (۱۳۸۴). بررسی تأثیر جهانی شدن بر آموزش و پرورش ایران، گزارشی از شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۵). بررسی‌های اسلامی، قم: هجرت.
- طوسی، طلعت. (۱۳۹۲). بررسی مبانی نظری جهانی شدن و اثرات آن بر اهداف کلی برنامه درسی نظام آموزش و پرورش ایران، دانشگاه شهید چمران، دانشکده علوم تربیتی اهواز.

علم الهدی، جمیله (۱۳۸۶). اهداف تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: موسسه پژوهش
و برنامه ریزی

فتحی و اجارگاه، کورش و واحد چوکده، سکینه. (۱۳۸۵)، «شناسایی آسیب‌های تربیت
شهروندی در برنامه درسی پنهان»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۵.

فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹)، پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت، چ دوم، تهران، آئیژ.
قنبری طلب، محمد. (۱۳۹۴). چالش‌های ناشی از جهانی شدن بر آموزش و پرورش،
دومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و
فرهنگی ایران، حکمت مرتضوی.

قنبری، نسرين، گودرزی، رضا (۱۳۹۲). نقش جهانی شدن در آموزش و پرورش، اولین
همایش مجازی ره‌آوران آموزش، ۲۸ اردیبهشت.

لاجز، مری (۱۳۸۳). پست مدرنیسم، ترجمه میلاد حامی احمدی. ماهنامه ماندگار

مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). مجموعه آثار شهید مطهری، قم: صدرا

نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹)، پست مدرنیته و پست مدرنیسم (تعاریف نظریه‌ها و کاربردها و
کاربست‌ها)، تهران.

Beck, Clive (2004), Postmodernism, Pedagogy and Philosophy of
Education, Ontario Institute for Studies in Education.

Liz, Jackson (2007) Nietzsche and The Paradox of Postmodern
Education. Philosophical Studies in Education –/Volume 38.

Marshall, Peters, (1994), «Postmodernism and Education», in The
International Encyclopedia of Education.